

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literary-Cultural

ادبی-فرهنگی

شعر از عشقري
فرستنده: محمود شاداب
۲۴ جون ۲۰۱۸

[مژگانِ بُتان]

دوش هر صاحب‌دلی کز بار غم خم می‌شود
از سر و سامان گذشتن در ره حق سهل نیست
در سراغ بیغمی پامال غم گردیده ایم
شب به چشم این خسیسان خواب می‌گردد حرام
آرزو دارم ز مژگانِ بُتان تیری دگر
نازم حُسنِ شرمگینی را که از جوش حیا
هرکجا خواند حدیثِ سرگذشتِ عشقري
صورتِ محرابِ حاجتهای عالم می‌شود
هرکسی کی همچو ابراهیم ادهم می‌شود
هرکسی زین آرزو برگشت بی غم می‌شود
گر ز تعدادِ گهی زیر و گهی بم می‌شود
زانکه زخم نو به زخم کهنه مرهم می‌شود
بر گلِ رویش عرق مانند شبنم می‌شود
دیده ها از یادِ عمر رفته پُر نم می‌شود